

تریت تعطیل بردار نیست

نشستی با دکتر فریدون فضلی خانی درباره‌ی اوقات فراغت

محمود یحیوی

عکس: مریم فرحی

می‌شود، آموزش به کل مدرسه و نیز جامعه شیوع می‌یابد. بنابراین، آموزش تعطیل نشده است و یادگیری به انحاء گوناگون ادامه می‌یابد؛ چون آموزگار در مدرسه و کلاس سؤالاتی را مطرح کرده، در واقع آمادگی‌هایی را ایجاد کرده و این نقش هدایتگری معلم است. در این میان، نقش وسایل ارتباطی جمعی و رسانه‌های آموزشی مهم است. به این صورت دانش آموز هنوز در اختیار ماست و در برنامه جای دارد. تصورات و حرکات او در اختیار آموزگار، مدیر یا نظام آموزش و پرورش است. پس فعالیت‌ها، بازی، تفریح و نگاه او معنادار و تجلیگاه یادگیری‌های مدرسه‌ای است. او باید بتواند خارج از کلاس تجارب خود را به آزمون بگذارد و به درک برسد.

باید بدانیم مدرسه جای تجربه‌ی کافی نیست؛ چون مینیاتوری از جامعه‌ی اصلی است. مدرسه می‌تواند بخشی از اضلاع جامعه را پوشش دهد. این تصور که بگویند مدرسه جایی است که دانش آموز صبح بیاید آموزش ببیند و سپس بی‌دفتر و کتاب و تکلیف به خانه برگردد، از نظر من غلط است.

جنس آموزش مدرسه و خارج از آن

چیست؟

این دو در طول هم هستند نه در مقابل هم. قرار نیست ما در مدرسه چیزی یاد دهیم و دانش آموز خارج از مدرسه چیزی دیگر بیاموزد و انجام دهد. ما باید به

اشاره

گفته می‌شود اوقات فراغت زمانی است که فرد در آن به انجام فعالیت‌های مورد علاقه‌ی خود می‌پردازد. اما آیا می‌توان این زمان را بی‌هدف و بی‌برنامه گذراند؟ آیا می‌شود تعریف آن را تغییر داد؟ به نظر شما تابستان‌ها تعلیم و تربیت تعطیل می‌شود و یا تعلیم و تربیت تعطیل بردار نیست و فقط شکل آن دگرگون می‌شود؟

برای اینکه با مفهوم اوقات فراغت و نظام رسمی تعلیم و تربیت و زمان آموزش و نظراتی در این زمینه آشنا شویم با دکتر فریدون فضلی خانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم و تربیت صحبتی داشتیم. فضلی خانی از سال ۱۳۶۶ وارد آموزش و پرورش شده و ضمن تدریس در پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی سمت‌های مدیریتی نیز داشته است. از فعالیت‌های پژوهشی وی اجرای طرح صدای معلم تهران به صورت تلفنی، پژوهش‌هایی در ساخت وسایل کمک آموزشی ابتدایی بوده است و بستر کارهای دوره‌ی ابتدایی را می‌شناسد. به باور او این دوره بیشترین اثر را در تعلیم و تربیت دارد. فضلی خانی هم‌اکنون علاوه بر اجرای کارگاه‌های آموزشی معلمان به تدریس در دانشگاه فرهنگیان و خوارزمی مشغول است و البته دیدگاه خاصی در ارتباط با اوقات فراغت دارد.

آیا آموزش و پرورش محدود به

فضای مدرسه است؟

نظام تعلیم و تربیتی ما و جهان قلمروها و حوزه‌هایی دارد. در دنیا نیز بخش تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی وجود دارد. نظام رسمی بیشتر در مدارس شکل می‌گیرد و در قالب کتاب درسی و ساعات آموزشی و تخصیص معلم خود را نشان می‌دهد. به این ترتیب، نظام کلاسی و

قلمرو آموزش است، یعنی باید این فضاها را در طول هم ببینیم. به باور من وقتی کار هسته‌های آموزشی دانش آموزان در کلاس آغاز می‌شود، معلم نیز نقش هدایتگر دارد و هنگامی که مدرسه تعطیل می‌شود، قالب کار کلاسی به کل جامعه انتقال می‌یابد. پس آموزش تعطیل نشده و البته کامل هم نیست، بلکه بستر کار وسیع‌تر شده است. اتمام یادگیری معنا ندارد؛ زیرا هر چه دید دانش آموز وسیع می‌شود، مفهوم آموزش، گستردگی خود را نشان می‌دهد.

با این نوع نگرش، هنگامی که

دانش آموز در خارج از کلاس است،

چه اتفاقی می‌افتد؟

این فکر با پیشرفت خود بستر آموزش را فراهم می‌کند. وقتی کلاس تعطیل

در اوقات فراغت مورد نظر

من بازی، گردش و تفریح با

مشاهده و مطالعه و شناخت

همراه است

فوق برنامه یا مکمل در مدرسه شکل می‌گیرد اما در بیرون از مدرسه هم بستر و

این تصور که بگویند مدرسه جایی است که دانش آموز صبح بیاید آموزش ببیند و سپس بی دفتر و کتاب و تکلیف به خانه برگردد، از نظر من غلط است

نتیجه در این فضا چیزی تجربه نمی شود. اردو جایی است که دانش آموز وقتی تشنه می شود، بتواند از امکانات اطراف استفاده کند و نیازش را برطرف سازد. در این فعالیت رعایت اخلاق و بهداشت نیز مهم است.

می خواهم بگویم «اوقات فراغت» نام جالبی نیست. باید بگوییم این جلوه و بخشی از تربیت است.

در نظام رسمی آموزش، مفهوم کار و فعالیت به نوعی خاص لحاظ می شود که فراغت در آن مقطعی است. وقتی دانش آموز به خانه می رود باید از این نظام بیاموزد که آموخته هایش را به کار بندد. اگر در خانه مثلاً در شیشه ی مربا باز نمی شود، با استفاده از قانون انبساط و انقباض بتواند بر مشکل غلبه کند.

اگر این شخص بخواهد ترک تحصیل نیز کند، آموزش ها و تجربه ها همراه او باشند. بنابراین، فرایند آموزش تعطیل بردار نیست. اگر یادگیری درونی باشد این ضمانت وجود دارد که یادگیری انجام شده است و مدرسه چه تعطیل و چه دایر باشد ما به هدف خود رسیده ایم.



می دانید چه اثر سازنده ای خواهد داشت؟

با توجه به گفته های پیش، از نظر شما اوقات فراغت چه معنایی دارد؟

همان طور که در لابه لای سخنانم اشاره کردم، به اصطلاح فراغت از درس رسمی باور ندارم. در درس و بحث و همین طور زمان غیررسمی چنین تعریفی نداریم. در بیرون از کلاس مفاهیم باید تجربه شوند.

به نظر شما آموزگاران در فرصت سه ماهه تعطیلات تابستانی چه وظایفی دارند؟

اگر تصمیم با من بود می گفتم آموزگاران در طول تابستان به کمک ابزارهای گوناگون مانند تلفن همراه و ایمیل با دانش آموزان در ارتباط باشند و این ارتباط مثلاً در قالب ۵۰ ساعت فعالیت دانش آموزان سامان دهی شود.

این ارتباط سه جانبه است؛ یعنی پدر و مادر هم حضور دارند و نقش هدایتی آنها مثل همیشه پررنگ است. هرگاه آموزگار با نقش رسمی خود و جامعه با ساختار سازمانی و بستر ساز و اولیا در کنار هم باشند، دانش آموز خوب یاد می گیرد. در غیر این صورت، تربیت ایتراست. در اوقات فراغت مورد نظر من بازی، گردش و تفریح با مشاهده و مطالعه و شناخت همراه است. گاهی دیده می شود که در اردوهای دانش آموزی همه چیز آماده است. در

سازمان دهی آموزش در مدرسه و جامعه به شکلی که مکمل هم هستند، نگاه کنیم. اگر می خواهیم از فناوری بگوییم یا تکلیفی ارائه کنیم، باید به نیازهای فرد و جامعه بنگریم. دیگر اینکه فعالیت ها طبق میل و انگیزه و توان فرد باشد. از طرفی، همراهانی مانند پدر و مادر یا آموزگار باید شأن و قدرت راهنمایی و راهبری دانش آموز را داشته باشند. صبر و شکیبایی مری در این مسیر مهم است و اینکه هدایت ها غیرمستقیم باشند. اگر دانش آموز خواست تحقیقی انجام دهد، آموزگار نحوه ی پژوهش و محل های دریافت اطلاعات مانند کتابخانه و نحوه ی استفاده از اینترنت یا شیوه های گفت و گو با افراد مطلع را بیان کند و نه جواب مورد نظر را.

به این ترتیب، در فضای فراغت فرایند پژوهش و چگونگی درگیر شدن با این فرایند مهم است. تشویق در فضای فراغت باید از نوع درونی باشد. از مصداق های تشویق و اقیان درونی می توان به این عبارات اشاره کرد و دانش آموز را بزرگ داشت: «شما چقدر خوب تحلیل کردید! دوست داشتم به جای شما بودم. شما در ارتباط با موانع چه راهکارهای خوبی نشان دادی!» اگر پدری به فرزند خود بگوید: «این نظر یا کار شما آن قدر خوب بود که از فرط هیجان خواب به چشمم نیامد»

